

بنیه رقابت شماری از کالاهای غیرنفتی در بازارهای صادراتی تقویت شده است

اشاره:

صادرات شریان حیاتی اقتصاد کشور است که به رونق اقتصادی، سرمایه‌گذاری، اشتغال و... کمک می‌کند. از سوی دیگر صادرات تک‌محصولی برای اقتصاد بسیاری از کشورهای در حال توسعه همانند ایران، دشواری‌های بسیاری را به دنبال دارد که ناشی از عوامل بیرونی و نوسانات قیمت محصولات صادراتی است. از این رو تنوع‌بخشی به صادرات یکی از اهداف اصلی در برنامه‌های اقتصادی کشورهای در حال توسعه محسوب می‌شود.

در ایران در جریان سه برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، رونق و تنوع‌بخشی به صادرات غیرنفتی مورد تأکید قرار گرفته و اقدام‌های اساسی در این زمینه به ویژه در سال‌های اخیر صورت گرفته است. هر چند که هنوز تا رسیدن به نتیجه قطعی و افزایش سهم صادرات غیرنفتی در درآمدهای ارزی کشور فاصله زیادی وجود دارد. بررسی روند صادرات غیرنفتی به ویژه در خصوص کالاهای عمده صادراتی برای دستیابی به راهکارهای مناسب جهت جهش در صادرات غیرنفتی ضروری است و بسیاری از تلگناها را روشن خواهد ساخت.

در این مقاله به بررسی ۱۰ قلم عمده کالاهای صادراتی کشور و تغییرات آن در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ماقبل می‌پردازیم.

برون‌مرزی دچار تحول در خور توجهی شده‌اند. در فهرست ۱۰ قلم عمده کالاهای صادراتی غیرنفتی کشور در سال ۱۳۸۰ فرش دستباف همچنان در صدر قرار دارد و ۵۲۲/۱ میلیون دلار از صادرات غیرنفتی را پوشش داده است. این در حالی است که صادرات فرش در سال گذشته با افت چشمگیری مواجه شد. فرش دستباف

از یک سو افزایش سهم صادراتی اقلام یاد شده در مجموع صادرات غیرنفتی کشور از ۴۰/۱ به ۵۴/۸ درصد نشانگر آن است که صادرات محصولات برخوردار از مزیت نسبی به بازارهای خارجی رشد چشمگیری داشته است و از سوی دیگر تفاوت در فهرست اقلام نشانگر آن است که محصولات قابل رقابت در بازارهای

بررسی ۱۰ قلم عمده کالاهای صادراتی غیرنفتی ایران در سال گذشته که حدود ۵۴/۸ درصد ارزش صادرات غیرنفتی کشور را به خود اختصاص داده است و مقایسه آن با فهرست یاد شده و سهم ۴۰/۱ درصدی آن در صادرات غیرنفتی سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که در اقلام عمده صادراتی تغییرات محسوسی به چشم می‌خورد.

هیچ جایگاهی نداشت. این تحول چشمگیر و درخور تحسین نشان از اثرگذاری سیاست‌های رونق صادرات غیرنفتی، تقویت بنیه رقابت بخش صنعت در بازارهای بیرون‌مرزی و مزیت نسبی ایران در تولید و صادرات کالاهای صنعتی دارد.

به عقیده کارشناسان، مزیت‌های نسبی اقتصاد ایران بتدریج خود را نشان می‌دهد و در صورت رونق سرمایه‌گذاری‌های صادرات‌گرا، سهم بخش صنعت در مجموع صادرات غیرنفتی کشور به طور اساسی افزایش خواهد یافت.

کارشناسان عقیده دارند که جذب فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی برای تولید کالاهای صنعتی و صدور آن به بازارهای بیرون‌مرزی می‌تواند ضمن ایجاد اشتغال مولد و کمک به رشد اقتصادی کشور تحول چشمگیری در صادرات غیرنفتی ایجاد کند و سهم آن را در مجموع درآمدهای ارزی کشور افزایش دهد.

بررسی اقلام صادراتی عمده ایران در سال گذشته همچنین نشان می‌دهد که ششمین کالای عمده صادراتی ایران نفتی است که ۱۱۴/۷ میلیون دلار از صادرات را پوشش داده است، در حالی که در فهرست ۱۰ قلم عمده کالاهای صادراتی غیرنفتی سال ۱۳۷۹ این کالا به چشم نمی‌خورد.

همچنین سایر محصولات پتروشیمی که ۱۰۶ میلیون دلار

یافت. تغییر جایگاه پسته و مغز پسته در فهرست اقلام عمده صادراتی سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹ نشان از تقویت بنیه صادرات فرآورده‌های تولیدی از سرمایه‌گذاری‌های عمده در بخش‌های پایین‌دستی صنعت نفت و گاز کشور دارد و به عبارتی از سهم کلان صادرات کالاهای سنتی در مجموع صادرات غیرنفتی کشور تا حدودی کاسته شده است.

آهن‌آلات و فولاد چهارمین کالای عمده صادراتی ایران در سال ۱۳۸۰ بود که در مجموع ۱۹۵/۴ میلیون دلار از درآمدهای ناشی از صادرات غیرنفتی را تأمین کرد. این در حالی است که در سال ۱۳۷۹ محصولات نیمه‌تمام آهن و فولاد ۱۰۱/۶ میلیون دلار و ورق آهن ۶۸/۸ میلیون دلار از صادرات غیرنفتی را در بر گرفت و به ترتیب چهارمین و پنجمین کالای عمده غیرنفتی صادراتی کشور بود. مجموع صادرات این اقلام در سال ۱۳۸۰ با افزایش روبه‌رو شد. هر چند که آزادسازی واردات این اقلام به بازارهای داخلی، مشکلاتی را پیش آورد. اما رونق صادرات نشان از بنیه رقابت ایران در بخش صادرات آهن و فولاد است.

سایر کالاهای صنعتی که در فهرست سال ۱۳۸۰ پنجمین کالای غیرنفتی عمده صادراتی کشور را به خود اختصاص داد و ۱۷۹/۱ میلیون دلار از درآمدهای صادرات غیرنفتی را تأمین کرد، در فهرست سال ۱۳۷۹

با سهم ۱۶/۳ درصدی از مجموع صادرات غیرنفتی در سال ۱۳۷۹ رقمی برابر با ۶۱۹/۵ میلیون دلار از این درآمد ارزی را در بر گرفت. به عقیده کارشناسان، افزایش بی‌رویه عرضه فرش‌های فاقد کیفیت لازم و به‌دور از سلیقه مشتریان، تقویت بنیه رقابت کشورهای دیگر صادرکننده فرش به بازارهای جهانی، رکود نسبی اقتصاد جهان در سال گذشته و ... در افت صادرات فرش دستباف ایران اثر داشته است.

گازها با ارزش صادراتی ۴۳۱ میلیون دلار دومین کالای غیرنفتی صادراتی ایران در سال ۱۳۸۰ بود در حالی که مجموع صادرات پروپان مایع، گازها و سایر هیدروکربورهای گازی و بوتان مایع در سال ۱۳۷۹ به ۲۲۸/۱ میلیون دلار رسید. پروپان مایع سومین، گازها و سایر هیدروکربورهای گازی ششمین و بوتان مایع دهمین کالای صادراتی در فهرست ۱۰ قلم عمده صادراتی سال ۱۳۷۹ قرار داشتند. ارزش صادرات این اقلام در سال ۱۳۷۹ به ترتیب ۱۰۸/۶، ۶۶/۴ و ۵۳/۱ میلیون دلار ثبت شد.

پسته و مغز پسته که در فهرست سال ۱۳۷۹ دومین کالای عمده صادراتی کشور بود، در سال ۱۳۸۰ سومین قلم عمده را تشکیل داد. هر چند که ارزش صادرات آن از ۳۱۸/۶ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به ۳۴۳/۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۰ افزایش

صادرات غیرنفتی سال ۱۳۸۰ را تشکیل داد و هفتمین قلم عمده صادرات غیرنفتی کشور بود، در فهرست اقلام عمده صادراتی سال ۱۳۷۹ وجود ندارد.

نفتای سبک و سایر محصولات پتروشیمی که از تحول اساسی در صادرات برخوردار شده‌اند، ماحصل سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در بخش پتروشیمی و بهره‌جویی از مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور است. به عقیده دست‌اندرکاران تجارت سهم و میزان صادرات این اقلام در سال‌های آینده با افزایش ظرفیت صنایع پتروشیمی کشور، رونق بیشتری خواهد یافت.

مصنوعات مسی که هشتمین کالای عمده صادراتی کشور در سال ۱۳۸۰ بوده و ۱۰۰/۱ میلیون دلار صادرات داشته و پوشاک که نهمین کالای صادراتی به ارزش ۸۷/۶ میلیون دلار و نیز نخود و انواع بشن که با ۶۶ میلیون دلار صادرات دهمین کالای عمده صادراتی در سال ۱۳۸۰ بوده است، در فهرست اقلام عمده صادراتی سال ۱۳۷۹ جایگاهی نداشتند.

مقایسه دو فهرست نشان می‌دهد که قیرنفت، بژن و کشمش که در ردیف هفتم تا نهم اقلام عمده سال ۱۳۷۹ بودند، در سال ۱۳۸۰ در فهرست مشابه جایگاه قبلی را بدست نیاوردند. همچنین در فهرست سال ۱۳۸۰ اقلام به نسبت مشابه در یک

گروه کالایی جمع‌بندی شدند که بررسی روشن‌تر موقعیت صادرات آنها را آسان‌تر ساخته است.

به عقیده کارشناسان بررسی صادرات سال‌های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که در سال ۱۳۷۸ مجموع سهم ۱۰ قلم کالای عمده صادراتی ۵۴/۱ درصد ارزش صادرات غیرنفتی را تشکیل داد که این سهم در سال ۱۳۷۹ به ۴۰/۱ درصد کاهش یافت و نشانگر عدم تمرکز کالایی و تنوع اقلام صادراتی بود. اما در سال ۱۳۸۰ این سهم به ۵۴/۸ درصد ارزش صادرات غیرنفتی افزایش یافت که نشان‌دهنده تمرکز بیشتر بر صدور کالاهای رقابت‌پذیر و حجم انبوه‌تر صادرات اینگونه کالاها بود. این تغییر از یک سو نشان‌دهنده سهم فزاینده کالاهای یاد شده است که چنانچه خللی به بازار صادراتی آنها در سال‌های آینده وارد شود. می‌تواند بر درآمدهای حاصل از صادرات غیرنفتی تأثیر منفی داشته باشد، اما از یک سو تخصصی‌تر شدن و تقویت بنیه رقابت اقلام صنعتی و محصولات صنایع پتروشیمی را نشان می‌دهد که ایران در تولید و صادرات آنها مزیت دارد. کارشناسان عقیده دارند که توجه ویژه به روند بازارهای صادراتی به ویژه در خصوص ۱۰ قلم عمده صادرات غیرنفتی کشور ضروری است و می‌بایست نوسانات این بازارها به دقت زیر نظر گرفته شود و متناسب با

آن واکنش برای پاسخگویی به تقاضای جهانی نشان داده شود. از سوی دیگر صادرات دیگر اقلام نبایستی مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گیرد. بلکه برای تنوع بخشی و تمرکززدایی از صدور چند قلم کالا توجه به رونق صادرات دیگر اقلام نیز ضروری است. افت صادرات آنها در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹ نکته درخور توجهی است و شناسایی علل آن جهت رفع موانع صادرات آنها ضروری به نظر می‌رسد.

کارشناسان عقیده دارند که برنامه‌های تشویقی در زمینه رونق صادرات غیرنفتی که از سال ۱۳۷۹ آغاز شده، بتدریج آثار مثبت خود را در رونق صادرات غیرنفتی نشان می‌دهد، لیکن برای تداوم و تقویت بنیه رقابت تلاش برای انجام اصلاحات ضروری می‌بایست ادامه یابد.

به عقیده کارشناسان، تقویت بنیه رقابت صادرات غیرنفتی به چند عامل عمده بستگی دارد که در مرحله نخست تلاش برای ارتقای کیفیت و کاهش قیمت تمام شده قرار دارد. در سال‌های اخیر با افزایش بهای خدمات عمومی، دستمزدها و ... به طور کلی روند قیمت‌ها و به ویژه قیمت‌های تولیدکننده روبه صعود بوده، این در حالی است که در بسیاری از کشورهای جهان فشارهای تورمی به حداقل ممکن (۲ تا ۳ درصد) رسیده است. به عبارت دیگر

الکترونیکی را فراهم و صادرکنندگان را با موضوع کارایی تجاری در اثر بهره‌جویی از فناوری اطلاعات آشنا سازند.

به عقیده کارشناسان، مزیت‌های نسبی بخش‌های مختلف اقتصادی ایران به مراتب بیش از صدور سالانه ۴ تا ۵ میلیارد دلار کالای غیرنفتی است و استعداد دستیابی به سالانه تا ۱۰ میلیارد دلار صادرات با ایجاد تسهیلات مناسب وجود دارد. وجود عزم ملی برای جهش صادرات غیرنفتی و بسیج امکانات برای دستیابی به چنین هدفی، ضروری است و می‌تواند مشکل وابستگی اقتصاد ملی به صادرات نفت را برطرف سازد. با این حال هنوز در میان مسؤولان کشور وفاق کلی برای دستیابی جهش در صادرات غیرنفتی کمتر به چشم می‌خورد. چنانچه این وفاق به طور کامل تحصیل گردد، تلاش برای تنش‌زدایی در روابط خارجی و گسترش مناسبات سیاسی - اقتصادی، حضور فعال در نهادهای بین‌المللی اقتصادی و بازرگانی و نیز نهادهای منطقه‌ای بیش از پیش تقویت خواهد شد و در عرصه اقتصاد و تجارت تحرکی اساسی به وجود خواهد آمد.

اشاره به ضرورت واقعی شدن بهای خدمات عمومی، تأکید دارند که به منظور تقویت بنیه رقابت این امر می‌بایست در یک برنامه بلندمدت دنبال شود و در کنار آن تشویق‌های صادراتی موجب شود که مزیت‌های نسبی اقتصاد کشور در زمینه تولید و صادرات کالاهای صنعتی و معدنی و مواد پتروشیمی خود را بیش از پیش نشان دهد.

نکته در خور توجه دیگر بازاریابی صادراتی و شناسایی بازارهای جدید برای صادرات کالاهای غیرنفتی است. تلاش‌های انجام شده در این زمینه هنوز کافی نیست و ضرورت دارد که اطلاع‌رسانی در خصوص بازارهای قابل نفوذ به صادرکنندگان با سرعت بیشتر انجام پذیرد.

از آنجا که هزینه‌های بازاریابی به لحاظ فقدان بهره‌جویی کافی از تجارت الکترونیکی و فناوری اطلاعات برای شمار عظیمی از صادرکنندگان زیاد است و توان مالی آنها اجازه هزینه‌سازی گسترده برای بازاریابی را نمی‌دهد، رونق صادرات غیرنفتی با مشکل جدی روبه‌رو است. در این زمینه گسترش فرهنگ بهره‌جویی از فناوری اطلاعات و تجارت الکترونیکی در میان صادرکنندگان کشور الزامی است و نهادهای مسزول در این زمینه می‌بایست بیش از پیش کوشا باشند تا تمامی تسهیلات جهت انجام معاملات

چنانچه تورم‌زدایی در اقتصاد ایران به عنوان یک برنامه اساسی مورد توجه قرار نگیرد، صادرات غیرنفتی آسیب جدی خواهد دید و رقبای ایران می‌توانند بازارهای صادراتی را از دسترس صادرکنندگان خارج کنند. تولیدکنندگان و صادرکنندگان نرخ سود اعتبارات بانکی را پیش از سایر عوامل مؤثر در افزایش قیمت تمام شده کالاها، اثرگذار می‌دانند و تأکید دارند که در دیگر کشورهای جهان تولیدکنندگان و صادرکنندگان با اعتبارات ارزان‌تر (به لحاظ نرخ بهره) و سهل‌الوصول‌تر روبه‌رو هستند و به سهولت می‌توانند با دستیابی به منابع مورد نیاز برای سرمایه‌گذاری از فناوری روز نیز بهره‌مند شده و با کاهش قیمت تمام شده و تقویت بنیه رقابت روبه‌رو شوند. اما در ایران نرخ بالای اعتبارات بانکی سبب می‌شود که انگیزه برای انجام سرمایه‌گذاری‌های جدید (به ویژه برای توسعه ظرفیت و بهره‌جویی از دانش فنی و فناوری روز) کاهش یابد. با این وصف ایجاد تسهیلات مناسب جهت استفاده از اعتبارات ارزان‌تر بانک‌های داخلی و خارجی و نیز باز شدن فضای جذب سرمایه‌گذاری خارجی (به صورت مشترک) الزامی است و می‌تواند در بنیه رقابت صادرات غیرنفتی کشور تأثیر بسزایی داشته باشد.

از سوی دیگر بر سرخی تولیدکنندگان و صادرکنندگان با